

عوامل شادابی و نشاط

قسمت اول

محمد رضا داودی

از دیدگاه آیت و روایت

مقدمه

گاهی بدون آنکه علت آن را بدانیم، حالت افسردگی و بی‌رغبتی در ما پدید می‌آید. به راستی عوامل کسالت و افسردگی چیست، تا آن‌ها را شناسایی بکنیم و از خود دور نماییم؟ عوامل شادابی کدام است؟ تفاوت شادی با شادابی در این است که شادی (معادل عربی آن فرح و سرور) به معنای خوشحالی و خوشنودی بوده، نمود آن بیشتر با خنده و تبسم است؛ اما شادابی و نشاط به معنای سرحال بودن و سرزندگی است، که نمود آن در فعالیت و تکاپو آشکار می‌گردد. در نوشتار حاضر، نویسنده به بررسی عوامل شادابی و نشاط از دیدگاه قرآن - که کتاب حیات و زندگی است - و نیز روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازد.

عامل اول، اعتقاد به توحید

یکی از عوامل نشاط که انسان را به عمل تحریک می‌کند و سستی و کسالت را از او زایل می‌سازد، باور به توحید و یگانگی خداست. آنچه در اینجا مورد نظر ماست، «توحید افعالی» است که نشاط در آن بیشتر نمود دارد. توحید افعالی بدین معناست که تمام حوادث و وقایعی که در عالم رخ می‌دهد به خواست و اراده خدا در ید قدرت اوست. ریشه این باور و نگرش در اعتقاد به توحید افعالی است که انسان همه خوبی‌ها و اعمال نیک را از خداوند بداند و او را دفع‌کننده بدی‌ها بشناسد.

هرگاه انسان به مقام توحید افعالی رسید و نیز به این حد از معرفت رسید که هیچ نعمتی را از خود ندید و همه فیض‌ها را از آن خدای سبحان دانست، در او نشاط کار و تکاپو ایجاد می‌شود. با این نگرش چون او می‌داند هر کاری را که انجام دهد بی‌پاداش نمی‌ماند؛ بنابراین در کارهایش نه دچار امروز و فردا کردن و آرزوهای دراز می‌گردد و نه خود را بر دیگران تحمیل می‌کند. در این زمینه باید به آیات بیانگر توحید افعالی توجه کرد. انسان فکر می‌کند هر کاری که خواست می‌تواند انجام دهد و هر گاه در آن امر به نتیجه نرسد، دچار احساس سرخوردگی می‌شود.

قرآن می‌خواهد انسان را از این غفلت بیدار کند و نشان دهد که اراده خداوند فوق اراده تمام انسان‌هاست. از این رو قرآن می‌فرماید:

«... فلو شاء لهدیکم اجمعین.» (انعام/۱۴۹) اگر خداوند بخواهد، می‌تواند همه مردم را از روی جبر هدایت کند اما مشیت الهی بر این نیست. هدایت تکوینی خدا این است که انسان با اراده و اختیار خود وظایف خویش را انجام دهد و هدایت را بپذیرد. کسی که اعتقاد به توحید افعالی دارد، با اینکه دارای اختیار است، اما خود را در کارهایش مستقل نمی‌داند. او با جدیت فعالیت می‌کند و هرگاه نتوانست کاری که خواسته انجام دهد یا در امور خود به نتیجه نرسد، احساس شکست نمی‌کند؛ زیرا نیک می‌داند که خداوند تحقق این کار را نخواست و به مصلحت او نبوده است.

نشاط و نظارت الهی

یکی از شئون توحید افعالی، توجه به این حقیقت است که هر کاری که از انسان سر می‌زند، در محضر الهی صورت می‌گیرد و تمام حوادثی که برای او پیش می‌آید، در پیشگاه خداوند رخ می‌دهد و او از تمام این مسایل آگاهی دارد. آیه «و قل اعملوا فسیری الله عملکم...» (توبه/۹۴) و نیز آیه ۱۰۵ همان سوره، (بگو اعمال و وظایف خویش را انجام دهید که خداوند عمل شما را خواهد دید.) به این نکته اشاره دارد. شناخت نسبت به این امر باعث نشاط در انسان موحد می‌شود؛ زیرا او می‌داند که خداوند اعمالش را بی‌پاداش نمی‌گذارد و در دنیا یا آخرت مزد کارهای شایسته او را عنایت خواهد کرد. وعده پاداش و نیز تحقق آن از طرف خداوند، موجب امیدواری و در نتیجه لذت او در دنیا می‌شود؛ چرا که انسان ذاتاً به گونه‌ای آفریده شده است که همواره در پی کسب لذت است^(۱) و حصول لذت برای او نشاط‌آور است. اگر بازیگران یک مسابقه طاقت فرسا توجه داشته باشند تعدادی از دوستانشان شاهد مسابقه هستند، تحمل سختی‌ها برایشان آسان می‌شود و با شوق و اشتیاق بیشتری برای برنده شدن به تکاپو می‌پردازند. توجه به این حقیقت نیز که خداوند، تلاش و فعالیت انسان را مشاهده می‌کند، نشاط فراوانی را در او ایجاد می‌کند؛ زیرا نظارت الهی بر اعمال بندگان همراه با رحمت و مهربانی و توانایی بر اعطای هر گونه پاداش





شبستان



محمد فولادی

امام‌آییندها

درنگی در خطبه ((وسیله)) مولی علی (علیه السلام)

ای مردم!... نه شرفی از اسلام برتر است نه کرامتی از تقوی عزیزتر. نه پناهگاهی از پرهیزگاری مصون‌تر، هیچ شفاعت‌گری از توبه مفیدتر نیست، هیچ لباسی از سلامت با جلال‌تر نیست و هیچ سپری از سلامت جلوگیری‌تر نیست و هیچ ثروتی از رضایت و قناعت فقر زدا‌تر نیست. هرکه به کفاف روزی بسازد، آسایش را به بند کشد، طمع کلید رنج است، حسد آفت دین.

... ای مردم! گنجی از علم سودمندتر نیست، جمالی از عقل زیباتر نیست، رفیقی از نادانی بدتر نیست. هرکه در عیب خود بنگرد، از عیوب دیگران بازماند، هرکه به روزی خدا رضا دهد، افسوس مال مردم نخورد، هرکه برای برادرش چاهی کند، در آن افتد، هرکه پرده دیگران برد، عیوب خانه‌اش نمایان گردد، هرکه بزرگی فروشد، خوار گردد، هرکه با مردم بی‌خردی کند، دشنام شنود، هرکه با علما بی‌امیزد محترم شود و هرکه با اوباش درآمیزد تحقیر شود.^(۱)

پی‌نوشت:

۱. تحف العقول، انتشارات عملیه اسلامی، ص ۹۳، خطبه وسیله آن حضرت

حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) در دعای عرفه - که لبریز از روح توحیدی است - به خداوند عرض می‌کند: "الهی اطلبنی برحمتک حتی اصل الیک و اجذبنی بمنک حتی اقبل الیک"^(۲) خدایا تو با رحمتت روی مرا به سوی خویش برگردان و دلم را متوجه خود کن، و گرنه من خود نمی‌توانم به سوی تو بیایم و دل خود را متوجه تو سازم و با فضل و عنایتت مرا پسوی خود جذب کن تا روی به درگاهت کنم. امام حسین (علیه السلام) این عقیده را در مقام عمل نشان دادند. آن حضرت در سخت‌ترین شرایط زندگی و در آستانه شهادت در آرامش کامل بودند و هر لحظه رنگ چهره‌شان روشن‌تر و بشاشتر می‌گشت^(۵) و هیچ‌گاه نشاط خویش را در انجام وظیفه از دست نمی‌دادند، تا آنجا که می‌فرمایند: "...گویا می‌بینم در سرزمین مابین نواویس و کربلا، گرگان بیابان (لشکر کوفه) مفاصل و پیوندهای مرا پاره پاره می‌کنند و شکم‌های آمال و انبان‌های خالی خود را از من انباشته می‌کنند. از روزی که قلم قضا بر آن رقم خورده چاره‌ای نیست، رضایت خداوند خشنودی ما اهل بیت است."^(۶)

از مجموع مطالب بالا به دست می‌آید که وقتی انسان در مقام توحید افعالی، پروردگار را ناظر بر اعمال خویش می‌بیند و می‌داند که به وظیفه خویش عمل نموده است، نتیجه آن را می‌بیند و اگر کوتاهی از او سر بزند، با استغفار به عفو و رحمت خداوند مهربان امیدوار است. چنین انسانی با نشاط و خشنودی به کار و فعالیت می‌پردازد و وظایف خویش را به نیکی انجام می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رک: محمود رجبی؛ انسان‌شناسی ج ۱، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۱۱.
۲. شبیه آیه فوق، دو آیه دیگر است که خداوند می‌فرماید: «فَاَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» و «وَحَيْنَا...» (مؤمن/ ۲۷) پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما [به] وحی ما کشتی را بساز. و نیز آیه «تَجَرَّى بِأَعْيُنِنَا جَزَاءُ لِمَنْ كَانَ كُفِرًا» (قمر/ ۴۱) [کشتی] زیر نظر ما روان بود [این] پاداشی کسی بود که مورد انکار واقع شده بود. در این دو آیه تأکید بر حضور خداوند و تحت پوشش حمایت او قرار گرفتن است.
۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۶.
۴. مفاتیح الجنان، دعای عرفه.
۵. رجوع کنید به روایت امام سجاد (علیه السلام) در این زمینه: صدوق؛ معانی الاخبار؛ ص ۲۸۸.
۶. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۰۰.

است و نیز برای برخی از افراد همراه با بالا بردن درجه آنان است.

این دل‌گرمی که انسان در حضور پروردگار خویش است و از پشتیبانی او برخوردار است، برای پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نیز وجود داشته است. قرآن می‌فرماید: «وَاضْبُرْ لَكُمْ رَبِّكَ فَاُتِّك بِأَعْيُنِنَا وَنُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ رَبِّكَ حِينَ نَقُومُ» (طور/ ۴۸)

(در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی و هنگامی که [از خواب] بر می‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی.)

هنگامی که انسان احساس کند، فرد بزرگواری ناظر بر اعمال اوست و او را می‌بیند و او را در برابر دشمنان یاری خواهد کرد، نشاط در او ایجاد می‌شود. حال اگر این ناظر خداوند باشد، نشاط بیشتری را در خود احساس خواهد کرد.

در آن هنگام که حضرت نوح، از طریق قوم خود، در شدیدترین فشارها قرار داشت، مأمور ساختن کشتی شد. خداوند به او می‌فرمود: «وَاصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا...» (هود/ ۱۳۷)^(۲) یعنی در برابر دیدگان ما (علم و آگاهی ما) کشتی بساز. این جمله چنان قوت قلبی به او بخشید که فشار و استهزای قومش، کمترین خللی در اراده او ایجاد نکرد و با همین سخن مشغول ساختن کشتی شد.

نمود دیگر اعتقاد انسان به توحید افعالی، واقعه عاشورا است. در آن هنگام که گلوی فرزند خردسال امام حسین (علیه السلام) با تیر شکافته می‌شود، آن حضرت خون او را در مشت می‌گیرد و به آسمان پرتاب می‌کند. این حادثه برای او بسیار سنگین بود، اما با این حال می‌فرماید:

"هون علی ما نزل بی انه بعین الله" اینکه در محضر خدا واقع شده است، این مصیبت را بر من آسان می‌گرداند.^(۳)

انسان به مرحله‌ای از اعتقاد به توحید می‌رسد حتی برای توجه به خدا نیز معتقد است که پروردگار باید دلی او را متوجه خویش سازد، در غیر این صورت، او به خدا توجه نمی‌نماید. با داشتن چنین اعتقادی است که